

به نام خدا

رابطه ی بین خلاقیت و هوش هیجانی در دانش آموزان

مؤلف :

فاطمه اسکندری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: اسکندری، فاطمه، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور: رابطه‌ی بین خلاقیت و هوش هیجانی در دانش‌آموزان/مؤلف فاطمه اسکندری.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۳۱-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۸-۱۱۱.

موضوع: هوش هیجانی

Emotional intelligence

خلاقیت در کودکان

Creative ability in children

شاگردان -- روان‌شناسی

Students -- Psychology

رده بندی کنگره: BF۵۷۶

رده بندی دیویی: ۱۵۲/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۵۱۹۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: رابطه‌ی بین خلاقیت و هوش هیجانی در دانش‌آموزان

مؤلف: فاطمه اسکندری

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۳۱-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۵.....	مقدمه.....
۷.....	فصل اول.....
۷.....	کلیات.....
۱۱.....	فصل دوم.....
۱۱.....	پیشینه رابطه بین خلاقیت و هوش.....
۱۲.....	مقدمه.....
۱۵.....	فرضیه گم‌گشتگی.....
۱۵.....	فرضیه عدم حساسیت.....
۱۷.....	تعریف هیجان.....
۱۹.....	تعریف هوش.....
۱۹.....	ریشه های تاریخی هوش هیجانی.....
۲۴.....	هوش هیجانی و بهره هوشی.....
۲۸.....	آموزش هوش هیجانی.....
۳۰.....	برنامه های آموزشی که مستقیماً در مورد هوش هیجانی می باشند.....
۳۲.....	رشد تنظیم هیجانی.....
۳۴.....	عوامل مؤثر در قابلیت هیجانی.....
۳۴.....	نقش خود.....
۳۵.....	مهارت‌های قابلیت هیجانی.....
۳۷.....	هوش هیجانی در محیط کار.....
۴۳.....	هوش هیجانی و تفکر انتقادی.....
۴۶.....	تمایز بین احساسات سازنده و مخرب.....
۴۹.....	استفاده از عواطف برای تعیین اهداف.....
۵۰.....	طبقه بندی هیجانی.....
۵۱.....	انگیزش و هیجان.....
۵۲.....	ترس هیجان.....

- ۵۳..... دلیل اهمیت عواطف چیست؟
- ۵۴..... چگونگی شکل گیری هوش هیجانی
- ۵۷..... انواع هوش
- ۶۱..... مدل های هوش هیجانی
- ۶۲..... ویژگیهای آزمون هوش هیجانی
- ۶۴..... آزمون **Eqi**
- ۶۹..... زمینه‌های تاریخی هوش هیجانی
- ۷۶..... نظریه سالوی
- ۷۸..... هوش هیجانی و هوشبهر بالا
- ۸۰..... خلاقیت چیست؟
- ۸۱..... تعریف خلاقیت
- ۸۵..... مراحل خلاقیت
- ۸۹..... رویکرد تداعی گری و رفتارگرایی
- ۹۰..... رویکرد شناختی
- ۹۱..... رویکرد روانکاوی
- ۹۲..... رویکرد انسان گرایی
- ۹۵..... رویکرد روان سنجی
- ۹۶..... ویژگیهای افراد خلاق
- ۹۸..... موانع خلاقیت
- ۹۹..... موانع خلاقیت در مدرسه
- ۱۰۱..... محیط کلاسی مناسب برای پرورش خلاقیت
- ۱۰۳..... نقش معلم در پرورش خلاقیت دانش آموزان
- ۱۰۷..... منابع و مآخذ

مقدمه

آدمی از همان بدو تولد در یک محیط اجتماعی غوطه ور است که در فرد به همان اندازه موثر است که محیط طبیعی و فیزیکی در دگرگونی تغییر ساختمان وجودی فرد نقش دارد. (کوچک انتظار، ۱۳۸۳) شاید این نگرش حقیقت داشته باشد که هدف از تعلیم و تربیت نه ارائه ی چون و چرای مطالب بلکه آموزش نحوه تفکر به افراد است. بنابراین بسیار مفید خواهد بود اگر مطالبی از این دست در دروس دانش آموزان و دانشجویان گنجانده شود. والفی (۱۳۷۷).

تمام هیجانها در اصل تکانه هایی برای عمل کردن هستند برنامه هایی فوری برای حفظ زندگی که تکامل در وجود ما به تدریج به ودیعه گذارده است. طبق نظر گلمن^۱ (۱۹۹۹) در پژوهشهای جدید نقش هوش هیجانی در دوران کودکی در ارتباط با خلاقیت برقراری ارتباط با والدین در سنین بالاتر در تحصیل انتخاب شغل آشکارا است. خلاقیت نیز فرایندی است که طی آن تلاش برای شکوفاکردن استعدادها با لقوه صورت می گیرد و لازم است توانایی و انگیزه برای کسب آمادگی و تلاش برای رسیدن به اهداف وجود داشته باشد. اگر فردی درک هیجانی خوبی داشته باشد می تواند تغییرات روحیه و درک احساسها بهره ببرد. با چنین درکی برای اداره و کنار آمدن با هیجان استفاده کند ما پیر^۲ (۱۹۹۹).

ما دانش آموزان را با یک هدف آموزش می دهیم و آن موفقیت آنان در زمینه تحصیلی و شغلی است. اما معیار و ملاک موفقیت چیست؟ آیا معیار تنها یک مغزعلمی است؟ در گذشته جواب این سوال مثبت بود. اما امروزه نظریه های جدیدی ارائه شده است که این دیدگاه را چندان مورد قبول قرار نمی دهد.

از جمله نظریه هوش گاردنر^۳ (۱۹۸۳) نظریه هوش هیجانی بار آن (۱۹۹۸) مایروسالووی (۱۹۹۰) که موفقیت تنها به هوش شناختی صرف بستگی ندارد و هوش شناختی به تنهایی معیار موفقیت فرد نیست و به عامل دیگری نیز به نام هوش هیجانی بستگی دارد پژوهشگران همچون پیترسون (۱۹۹۸) گلمن (۱۹۹۰) ایوانز (۱۹۹۷) بر این باورند که هوش هیجانی می تواند در دستیابی فرد به موفقیت در عرصه های مختلف تحصیلی و شغلی نقشی به مراتب مهم تر از هوش عمومی داشته باشد.

^۱ - Golman

^۲ - Mayer

^۳ -gardner

فصل اول

کلیات

هوش هیجانی از سازه هایی است که از طریق تظاهرات هیجانی و با درک و انسجام بخشیدن به هیجانها جلوه گر می شود. به نظر مایر و سا لووی^۱ (۱۹۹۳) هوش هیجانی گونه ای هوش اجتماعی است که توانایی برخورد با عواطف در خود و دیگران را در بر می گیرد. همچنین آنان بر این باورند که هوش هیجانی قابلیت است که تفکر و اقدامات هر فرد را هدایت می کند. چنین برداشتی از هوش هیجانی این سوال را پیش می آورد که آیا هوش هیجانی با خلاقیت که یکی از انواع تفکر بوده و رفتاری است که از فرد سر می زند دارای همبستگی است یا خیر؟

همچنین مساله دیگر آن است که بسیاری از نظریه پردازان هوش هیجانی نظریه های خود را با ارزشیابی که از بزرگسالان به عمل آورده اند عملیاتی کرده اند و از ابزارهایی در این خصوص از آنها بهره گیری شده است مقیاس چند عاملی هوش هیجانی مایر و همکاران، (۲۰۰۰) مقیاس درک عاطفی بارنت^۲ (۱۹۹۶) آزمون EQMAP کوپروساواف^۳ (۱۹۹۷) و مقیاس هوش هیجانی شوتی^۴ و دیگران (۱۹۹۸) بوده است. با این همه بیشتر ابزارهایی که برای بر آورد هوش هیجانی با جنبه های مختلف آن ساخته است عموماً برای گروه سنی بزرگسالان و گاهی برای کودکان مورد استفاده قرار می گیرد (سالیوان ۱۹۹۹)^۵.

در میان ابزارهای که برای گروه جوانان قابل استفاده است سیاهه هوش هیجانی باران^۶ (۲۰۰۰) می باشد. به هر حال هوش هیجانی به دلیل مزایایی چون ارتقا سطح اعتماد به نفس انعطاف پذیری همدلی همسازی با دیگران و تأثیر آن بر عملکرد

^۱ -Mayer & Salovey

^۲ -Barent

^۳ -Coper

^۴ -Shoty

^۵ -Salivan

^۶ Bar on

خلاقانه افراد مورد تأیید است. چرنیس^۱ (۲۰۰۰) و عاملی سازنده در حیات اجتماعی شخص تلقی می شود. لازاروی و فولکمن^۲ (۱۹۸۴). در ایران در خصوص همبستگی و اثر گذاری هوش هیجانی و خلاقیت پژوهش چندانی انجام شده است. و با در نظر گرفتن اینکه هوش هیجانی زمینه ای برای ارتقا عملکرد خلاقانه است و نسل جوان برای سازندگی بیشتر نیازمندان هستند کوشش زیادی صورت نگرفته است. ولذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا در بین دانش آموزان همبستگی بین هوش هیجانی و خلاقیت آنان مشاهده می شود یا نه؟

^۱ - Cherrniss

^۲ -Foulkman

فصل دوم

پیشینه رابطه بین خلاقیت و هوش

مقدمه

بعد از این که برای اولین بار سالووی و مایر در سالهای ۱۹۹۰ تئوری مدونی به نام هوش هیجانی ارائه کردند، از آن زمان تاکنون مطالعات زیادی در مورد این سازه در زمینه های مختلف صورت گرفته است. در این جا برخی از این مطالعات را ذکر می کنیم.

الف : درایران

زارع ۱۳۸۰ رابطه بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی را مورد ارزیابی قرارداد. وی در این تحقیق از پرسشنامه بار-آن به منظور پیش‌بینی موفقیت تحصیلی به وسیله هوش هیجانی استفاده نمود و دریافت که بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی همبستگی معناداری وجود دارد ولی بین هوش شناختی و هوش هیجانی همبستگی معنادار وجود ندارد.

بنکداری در سال ۱۳۸۴ به بررسی رابطه هوش هیجانی والدین با سازگاریهای اجتماعی فرزندان پرداخت . بدین منظور ۲۵۲ دانش آموز دختر و پسر پایه چهارم دبستان شهر تهران بررسی شدند. در نتایج تحقیق وجود رابطه مثبت و معنادار بین هوش هیجانی والدین و سازگاری اجتماعی فرزندان داشت. مادران از طریق سه مولفه خودکنترلی- هوشیار اجتماعی و خودانگیزی توانایی پیش‌بینی سازگاری اجتماعی فرزندان دختر خود را دارند. و این امر نزد پدران به مولفه‌های هوشیاری اجتماعی - توانایی پیش بینی سازگاری اجتماعی فرزندان پسر را دارا می باشند. نتایج نشان می دهد که بین هوش هیجانی پدران و مادران تفاوتی وجود ندارد. تنها در مولفه خودکنترلی نمرات پدران بیشتر از مادران می باشد.

سازگاری اجتماعی دختران از پسران بیشتر است. اما از دیدگاه مادران تفاوتی در سازگاری اجتماعی فرزند دختر و پسر دیده نمی شود.

عباسی (۱۳۸۴) به بررسی و مقایسه هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر کم توان ذهنی آموزش پذیر ۱۰-۱۲ ساله با و بدون اختلالهای عاطفی رفتاری در شهر تهران پرداخت. نتایج تحقیق بین دو گروه مادران فاقد و واجد اختلالات عاطفی رفتاری نشان داد که آنها در زمینه هوش هیجانی کلی و زیر مجموعه ای آنها که عبارتند از: خودآگاهی - خودکنترلی - خودانگیزی - همدلی و مهارتهای اجتماعی می باشند. تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.

مقصودی (۱۳۸۴) به بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و روانشناختی(هوش هیجانی - خلاقیت - خودپنداری- خودکارآمدی - منبع کنترل) کارآفرینان تهرانی با افرادی عادی می پردازد که نتایج حاصل از داده های هوش هیجانی نشان می دهد که بین میانگین دو گروه کارآفرینان و افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میانگین هوش هیجانی افراد کارآفرینی به نسبت افراد عادی بالاتر است. این تفاوت علاوه بر میانگین هوش هیجانی کلی در هر پنج مولفه ترکیبی هوش هیجانی نیز معنادار است یعنی میانگین گروه کارآفرینان در مولفه‌های درون فردی، میان فردی، سازگاری، کنترل تنش و خلق عمومی به نسبت افراد عادی بالاتر است.

پیرخائفی (۱۳۷۲) :

به بررسی رابطه بین هوش عمومی و خلاقیت در بین دانش آموزان پسر دوم نظری دبیرستانهای شهر تهران پرداخته است. نتیجه ارزیابی نشان می دهد که بین هوش عمومی و خلاقیت کلی نمونه تحقیق همبستگی ناچیزی وجود دارد .

ب : در جهان:

براکت^۱ (۲۰۰۴) هوش هیجانی ۳۳۰ مرد و زن را با استفاده از مقیاس مایر و همکاران مورد ارزیابی قرار داد . در این تحقیق هوش هیجانی زنان به طور معنی داری بیش از مردان بود. همچنین هوش هیجانی همبستگی منفی و معنی داری با ناسازگاری و رفتارهای منفی اجتماعی داشت. نمرات پایین هوش هیجانی در مردان مربوط به درک هیجانات و استفاده از هیجانات (بهبود تفکر) بود و هوش هیجانی پایین در مردان با مصرف مواد و استفاده از الکل همبستگی داشت. همچنین این افراد دارای رفتارهای انحرافی بیشتر و ارتباطات اجتماعی ضعیف بودند.

سیاروچی^۲ و **همکاران** (۲۰۰۲) در مقاله ای به عنوان «هوش هیجانی رابطه بین استرس و سلامت روانی را تعدیل می کند» مطالعه ای را شرح می دهند که بر روی ۳۰۲ نفر از دانشجویان به روش مقطعی انجام گرفت. ۳ شاخه هوش هیجانی در این تحقیق مدنظر بودند که عبارتند از: ادراک و ارزیابی هیجانی، فهم و استدلال در مورد هیجانها و مدیریت و نظم بخشی در خود و دیگران.

استرس نیز در دو بُعد جر و بحث و گفتگوی مشاجره سر میز و وقایع منفی و ناگوار زندگی مورد توجه قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این بود که برخی از اشکال هوش هیجانی ممکن است افراد را از استرس محافظت کند و منجر به سازگاری و تطابق بهتری در آنان شود . این امر تلویحات روشنی برای پیشگیری از حالات افسردگی دارد. افرادی که در مدیریت و کنترل هیجانهای دیگران عملکرد خوبی دارند، از حمایت اجتماعی برخوردار بوده و احساس رضامندی بیشتری در زندگی دارند. این حساسیت

^۱ - Brackett , M.A

^۲-Siyorogy

روزافزون می تواند آنان را در مقابل افسردگی و افکار خودکشی محافظت کند. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی رابطه میان استرس و متغیرهای سلامت روان را تعدیل می کند در مواردی افراد باهوش هیجانی بالا تاثیرات بیشتری از استرس داشته و سطح بالایی از افسردگی را نشان می دهند که آنها دو فرضیه را مطرح کردند.

فرضیه گم گشتگی^۱

که پیشنهاد می کند افرادی که در ادراک هیجان در سطح پایین قرار دارند در واقع به استرس حساس هستند اما به آسانی تشخیص نمی دهند که استرس بر آنها چه اثری دارد. براین اساس افراد با ادراک هیجانی پایین درباره آن چه احساس می کنند، بیشتر سردرگم می شوند و درک پایین تری از چگونگی تاثیر آن بر زندگی از خود نشان می دهند.

فرضیه عدم حساسیت^۲

پیشنهاد می کند که افرادی که ادراک هیجانی ندارند با موفقیت تفکرات استرس زا را سرکوب می کنند و یا در کل به آنها توجهی نمی کنند.

هانت و ایوان^۳ (۲۰۰۴) در پاسخ به این سوال که آیا هوش هیجانی می تواند پیش بینی کند که افراد چگونه بر تجربیات تکانشی و ناگهانی پاسخ می دهند، مطالعه ای بر روی ۱۸۱ مرد و ۲۳۳ زن اجرا کردند. نتایج نشان دادند که افرادی که نمرات هوش هیجانی بالایی داشتند نشانه های روانی کمتری در رابطه با تجربیات تکانشی نشان

۱ - Confusion

۲ - insensitivity

۳ - Hunt , N & Evans

دادند علاوه بر این مشخص شد که وقایع ضربه ای تاثیرات منفی بیشتری بر زنها داشت و مردها سازگاری بهتری با این تجربیات از خود نشان دادند.

در پژوهشی که توسط **مایر و همکاران** (۲۰۰۰) به عمل آمد، مشخص شد که افرادی که نمرات بیشتری در همدلی دارند، انطباق عاطفی بهتری داشته و معاشرتی هستند و در میان مردم محبوبیت بیشتری دارند. این افراد در پاسخدهی به محیط اجتماعی و ایجاد یک شبکه اجتماعی پشتیبان برای خود موفق ترند.

شات^۱ (۲۰۰۱) در هفت مطالعه جداگانه به بررسی رابطه هوش هیجانی و روابط بین شخصی پرداخت. و دریافت که افراد باهوش هیجانی بالا از قدرت خودکنترلی بالایی برخوردار بوده و نگاه همدلانه بیشتری نسبت به دیگران دارند. آنها همچنین دریافتند که بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد به این معنی که افراد باهوش هیجانی بالا قادر به مدیریت صحیح روابط خود بوده و توانایی رهبری بالایی داشته و در حال تعارضات بین شخصی توانا ترند. آنها دارای روحیه همکارانه صمیمانه تری بوده که به حفظ و تداوم ارتباطها کمک می کند این افراد از رضامندی زناشویی بهتری نیز برخوردار می باشند.

لوپز^۲ (۲۰۰۳) پژوهشی را برای ۱۰۳ دانشجو به منظور بررسی رابطه هوش هیجانی و کیفیت ارتباطات اجتماعی صورت داد. نتایج حاکی از وجود همبستگی مثبت بین هوش هیجانی و رضایت از روابط اجتماعی بود. افرادی که در مقیاس مدیریت هیجانی نمرات بالاتری گرفته بودند به احتمال بیشتری روابط خود را با دیگران مثبت ارزیابی کردند. همچنین این افراد حمایت بیشتری از والدین دریافت کرده و از تعاملات منفی کمتری با دوستان نزدیک خود برخوردار بودند.

^۱ - Schutt , N.

^۲ - Lopes . P.N.

ج: مبانی نظری :

تعریف هیجان

واژه ای که تحت عنوان هیجان به آن اشاره می کنیم، اصطلاحی است که روان شناسان و فلاسفه بیش از یک قرن درباره معنای دقیق آن به بحث و جدل پرداخته اند. در فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد معنای لغوی هیجان چنین ذکر شده است. «هر تحریک یا اغتشاش در ذهن، احساس، عاطفه حالت ذهنی قدرتمند یا تهییج شده است. (به نقل از گلمن ۱۹۹۵)

پورافکاری (۱۳۸۰) نیز هیجان را چنین تعریف کرده است: این اصطلاح از ریشه لاتین *emovere* به معنی حرکت، تحریک، حالت تنش یا تهییج مشتق شده است. کاربرد معاصر این اصطلاح کلا به دو نوع است (۱) اصطلاح پوششی برای تعداد نامعینی از حالات ذهنی که وضعیت هستی شناسی هریک با برجسبی که معنی آن با توافقی ساده معین می گردد، تثبیت می گردد. این همان معنایی است که ضمن محبت از عشق، ترس و نفرت، وحشت و غیره مورد نظر است. (۲) برجسبی است برای زمینه ای از تحقیقات علمی که برجستجوی عوامل محیطی، فیزیولوژیکی و شناختی مسئول این تجربیات ذهنی می پردازد.

تقریباً تمام نظریه های هیجان‌ات چهار طبقه عوامل را معتبر می شناسند:

(الف) محرک‌های فراخوان که ممکن است درون یا برون زا باشند.

(ب) همبسته های فیزیولوژیک که سیستم های زیست شناختی کلی و الگوهای اختصاصی عملکرد را در بر می گیرد.

(ج) ارزیابی شناختی. اهمیت شخصی حادثه هیجان مربوطه را تعیین می کند.

د) خصوصیات انگیزشی، تحریک هیجانی تقریباً همیشه نقش بارزی در فعالیتی اجباری تلقی شده است.

همچنین طی سالیان به خاطر پیچیدگی زیاد هیجان، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است:

(کلینا^۱ ۱۹۸۱)، تعریفی را ارائه کرده است که عناصر اولیه تعاریف قبلی را شامل می شود بر طبق این تعریف، هیجان، حاصل تعامل بین عوامل ذهنی، محیطی و فرایندهای عصبی و هورمونی است وی در تایید این تعریف نکات ذیل را مطرح می کند:

۱- هیجان ناشی از تجارب عاطفی مثل لذت یا ناراحتی است.

۲- هیجانها باعث می شوند تا فرد تبیین های شناختی خلق کند- برای مثال علتها را به خود یا محیط نسبت دهد.

۳- هیجان باعث انواع سازگاری های درونی مثل بالارفتن ضربان قلب می شود.

۴- هیجان رفتارهایی را فرا می خواند که اغلب و نه همیشه، بیانی (خندیدن یا گریستن) هدفمند (کمک کردن یا اجتناب کردن) و انطباقی (حذف چیزی که تهدیدی بالقوه برای بقاء محسوب می شود) هستند.

عملکرد دیگر، هیجان عبارت از رفتار پاداش دهنده و تنبیه کننده آن است. وقتی فرد هیجان بسیار مثبتی را تجربه می کند به احتمال زیاد به رفتارهایی می پردازد که موجب تولید محدود آن هیجان می شود به همین صورت وقتی فرد هیجانی بسیار منفی را تجربه می کند از رفتارهایی که باعث بروز مجدد آن هیجان می شود، اجتناب می کند به عبارت دیگر هیجان در حکم تقویتهای رفتاری است. (ثرندایک به نقل از کلینجا ۱۹۸۱)

^۱ - Keliuginna . P

تعریف هوش

هوش عبارت است از: «مجموعه ای از تواناییهای شناختی که به ما اجازه می دهند تا نسبت به جهان اطرافمان آگاهی پیدا کنیم - یاد بگیریم و مسائل را حل کنیم (سیاروجی^۱ و همکاران، ۲۰۰۰)

به عقیده ثرندایک سه نوع مشخص هوش وجود دارد: انتزاعی، مکانیکی و اجتماعی. توانایی برای فهم و درست بکاربردن مفاهیم انتزاعی و سمبلها هوش انتزاعی را تشکیل می دهد. توانایی فهم، ابداع و کاربرد صحیح مکانیزمهای به وجود آورنده هوش مکانیکی است و استعداد عملکرد معتدل در روابط انسانی و امور اجتماعی، هوش اجتماعی را تشکیل می دهد. (پورافکاری، ۱۳۸۰)

ریشه های تاریخی هوش هیجانی^۲

ذهن انسان از سه طریق شناخت^۳، احساس^۴ و انگیزش^۵ عمل می کند. حوزه شناخت شامل اعمالی از قبیل: حافظه فرد، استدلال، قضاوت و به طور کلی اعمال فکری انسان می شود. حوزه احساس شامل: عواطف، حالات روحی، ارزشیابی ها و دیگر حالات احساسی می شود. حوزه انگیزش که می توان گفت همان حوزه شخصیت می باشد و شامل انگیزه زیستی یا رفتار هدف گرا که قابل یادگیری است، می باشد. دو حوزه اول که شامل شناخت و احساس می باشد در واقع تشکیل دهنده هوش هیجانی هستند

^۱ - Siyarogy

^۲ - Emotional Intelligence

^۳ - Cognition

^۴ - Affect

^۵ - Motivation

یعنی می توان گفت که هوش عاطفی همان استفاده آگاهانه از عواطف و احساسات می باشد. (پون - ۲۰۰۲)^۱

در اغلب مواقع روانشناسان هنگام مطالعه هوش بر جنبه های شناختی آن از قبیل حافظه و قدرت حل مشکل توجه می کنند. این در حالی است که در گذشته محققان زیادی به نسبت جنبه های شناختی انسان بر اهمیت جنبه های غیرشناختی^۲ نیز تاکید کرده اند. اگر به مطالعات رهبری اوهایو (در دهه ۱۹۴۰) توجه کنیم می توان ملاحظه کرد که در نتیجه این مطالعات توجه به افراد (در مقابل توجه به وظیفه) به عنوان یکی از عوامل اصلی رهبری اثربخش معرفی شد که با الهام از این مطالعات بعدها رهبران اثربخش به عنوان کسانی معرفی شدند که بتوانند اعتماد و احترام متقابل با زیردستان خود داشته و با آنها روابط دوستانه برقرار کنند. با توجه به نتایج این مطالعات می توان دید که جنبه های غیرشناختی رفتار انسان به عنوان عاملی مهم در موفقیت رهبران به شمار می آید. (چرنیس - ۲۰۰۲)^۳

در سال ۱۹۴۰ دیوید وچلر^۴ در کنار توجه به عوامل عقلانی^۵ به عوامل غیرعقلانی از قبیل عوامل اجتماعی، فردی و احساسی نیز توجه نشان داد و در سال ۱۹۴۳ وی اظهار داشت که توانایی های غیرعقلانی از عوامل ضروری موفقیت در زندگی می باشند. وی در سال ۱۹۵۸ هوش را به صورت ظرفیت کلی فرد برای عمل هدفدار، فکر منطقی و برقراری ارتباط مؤثر با محیط تعریف کرد. ولی او تنها کسی نبود که به اهمیت جنبه های غیرشناختی هوش در موفقیت و سازگاری انسانها با محیط پی برد. (چرنیس - ۲۰۰۲)

^۱ - Poon

^۲ - Nincgnitive

^۳ - Cherrniss

^۴ - David Wechsler

^۵ - Intelective